فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه

دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۵ تا ۴۳

https://www.jasd.ir

eISSN: 3115-7955

Research-Mixed

# Investigating social and cultural factors affecting the tendency towards emotional divorce (Case study: couples referring to counseling centers in Qaemshahr city)

**Zahra Aghajani[1], Ali Rahmani Firouzjah[2], Abolghasem Hyderabadi[3]**

1- PHD Student, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran
2- Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran
3- Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

**Receive:**
*30 April 2025*
**Revise:**
*08 June 2025*
**Accept:**
*14 July 2025*

**Abstract**

**Purpose:** The present study aims to examine the social and cultural factors influencing the tendency toward emotional divorce among couples referring to counseling centers in the city of Qaemshahr.

**Method:** This research is applied in terms of purpose and descriptive–correlational with a survey design in terms of methodology. Data were collected using a researcher-made questionnaire consisting of 65 items. The statistical population included all married men and women who visited family counseling centers in Qaemshahr, totaling 1,134 individuals. Using Cochran's formula, a sample size of 288 participants was determined.

**Findings:** The results revealed significant correlations between extramarital relationships and emotional divorce (r=0.61), between modern lifestyle and emotional divorce (r = 0.63), between individual-level factors and emotional divorce (r= 0.59), between the erosion of family social capital and emotional divorce (r=0.69), between the erosion of family cultural capital and emotional divorce (r=0.67), and between socioeconomic status and emotional divorce (r=0.60).

**Conclusion:** Emotional divorce is one of the key challenges confronting many contemporary families. The deterioration of marital bonds represents one of the most prominent manifestations of current transformations within the family structure. Therefore, identifying and analyzing the factors contributing to emotional divorce is increasingly essential.

**Keywords:**
Social factors, Cultural factors, Emotional divorce, Lifestyle.

**Please cite this article as (APA):** Aghajani, Z., Rahmani Firouzjah, A. and Hyderabadi, A. (2025). Investigating social and cultural factors affecting the tendency towards emotional divorce (Case study: couples referring to counseling centers in Qaemshahr city). *Journal of Approaches in Sociology and Development*, *1*(2), 25-43.

https://doi.org/10.22034/jasd.2025.223978

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

**Publisher:** Raz Nahan Publishing (RN.PUB)

**Corresponding Author:** Ali Rahmani Firouzjah | **Email:** a.rahmani@baboliau.ac.ir

فصل‌نامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه
Journal of Approaches in Sociology and Development
https://www.jasd.ir
دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۵ تا ۴۳
پژوهشی-آمیخته
eISSN: 3115-7955

# بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی (مورد مطالعه: زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر قائمشهر)

**زهرا آقاجانی[۱]، علی رحمانی فیروزجاه[۲]، ابوالقاسم حیدرآبادی[۳]**

۱- دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۲- گروه جامعه شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۳- گروه جامعه شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

**تاریخ دریافت:**
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳
**تاریخ بازنگری:**
۱۸ خرداد ۱۴۰۴
**تاریخ پذیرش:**
۲۳ تیر ۱۴۰۴

## چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی در بین زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر قائمشهر بود.

**روش پژوهش:** پژوهش فوق، از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است و از نظر روش، توصیفی ـ همبستگی و از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ۶۵ سوالی (محقق ساخته) است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مردان و زنان متأهل شهر قائمشهر می‌باشند که به منظور مشاوره خانوادگی به مراکز مشاوره این شهر مراجعه کرده‌اند که تعداد آن‌ها ۱۱۳۴ نفر بود. به منظور تعیین حجم نمونه در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۲۸۸ نفر به دست آمد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد بین روابط فرا زناشویی زوجین و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۶۱ درصد)، بین سبک زندگی مدرن زوجین و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۶۳ درصد)، بین سطح فردی و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۵۹ درصد)، بین فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۶۹ درصد)، بین فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۶۷ درصد)، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و طلاق عاطفی زوجین (با ضریب همبستگی ۶۰ درصد) همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** طلاق عاطفی یکی از آسیب‌هایی است که بسیاری از خانواده‌ها با آن مواجه هستند. فروپاشی پیوندهای زناشویی از برجسته‌ترین نمونه‌های تحولات مرتبط با خانواده امروزی است. ازاین‌رو، ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی هرچه‌بیشتر احساس می گردد.

**کلید واژه‌ها:**
عوامل اجتماعی،
عوامل فرهنگی،
طلاق عاطفی،
سبک زندگی

**لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA):** آقاجانی، زهرا، رحمانی فیروزجاه، علی و حیدرآبادی، ابوالقاسم . (۱۴۰۴). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی (مورد مطالعه: زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر قائمشهر). *فصلنامه رهیافتی در جامعه شناسی و توسعه*. (۲)۱. ۲۵-۴۳.

https://doi.org/10.22034/jasd.2025.223978

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Raz Nahan Publishing.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

**ناشر:** انتشارات راز نهان

**نویسنده مسئول:** علی رحمانی فیروزجاه
**ایمیل:** a.rahmani@baboliau.ac.ir

## مقدمه

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم قادر نیست درخصوص سلامت ادعایی کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بدون تأثیرپذیری از خانواده پدید نیامده است (همت جو،۱۴۰۳: ۱۱۵). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی[1] اختصاص دارد، یعنی آنها باهم زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (امیدپور و همکاران،۱۴۰۳: ۴). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است. طلاق در جامعه، به مثابهٔ تزلزل اجتماعی و بی‌ثباتی است که این امر احتمال دارد به کم‌بهاشدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی منجر شود و افزایش آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، الکلیسم و انحرافات جنسی را پدید آورد (اسکورن[2]، ۲۰۲۲: ۲۳۰). آمار رسمی طلاق، به‌طور کامل میزان ناکامی همسران را در زندگی زناشویی نشان نمی‌دهد؛ زیرا در کنار آن می‌شود به آماری بزرگ‌تر به نام طلاق‌های عاطفی، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی اشاره کرد که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند؛ اما ازنظر قانونی تقاضای طلاق نمی‌کنند (جلیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶). در طلاق عاطفی زوجین زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ درحالی‌که ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است، این مسئله در جامعهٔ درحال‌گذار ایران که هنوز ارزش‌های سنتی تا حدود زیادی بر آن حاکم است، به‌صورت جدی‌تری خود را نشان می‌دهد؛ زیرا این ارزش‌ها طلاق و جدایی رسمی زن و شوهر را امری قبیح و نادرست قلمداد و ادامهٔ زندگی را با هر شرایطی تأیید می‌کند (مونتسی و همکاران[3]،۲۰۲۲: ۸۴). مسئلهٔ طلاق عاطفی موضوعی بین‌رشته‌ای است که در حوزهٔ روان‌شناسی دلایل و عوامل پیدایش آن بین زوجین و در حوزهٔ جامعه‌شناسی پیامدهای آن برای خانواده و جامعه ارزیابی می‌شود. طلاق عاطفی نوعی طلاق و پدیدهٔ بسیار مهمی است که در هیچ جا ثبت نمی‌شود. این نوع طلاق، مربوط به خانواده‌هایی است که به دلایلی مانند سنت‌های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش منفی جامعه به زن مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند به‌اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (مالوری[4]،۲۰۲۲: ۳۶۱). طلاق عاطفی به سردی روابط بین زن و شوهر گفته می‌شود. رابطهٔ عاطفی ضعیف ممکن است به سردی سایر روابط یک زوج، مانند رابطهٔ روحی، جسمی، عاطفی و حتی کلامی آنها منجر شود. وجود این مشکل در رابطه، بی‌مهری و کم‌شدن محبت خانوادگی را در پی دارد. طلاق عاطفی را نخستین مرحلهٔ فرایند طلاق می‌دانند و این امر، رابطهٔ زناشویی روبه‌زوال را نشان می‌دهد که در آن، احساس تلخ بیگانگی با یگانگی و صمیمیت جایگزین شده است، شاید زن و شوهر تا پایان عمر مانند یک گروه اجتماعی در کنار هم بمانند؛ اما جاذبهٔ اعتماد دو طرف، در درهٔ عمیق فاصله سقوط کرده است (اعتمادی و خباززاده،۱۴۰۳: ۴۴۰). برای مثال، می‌شود این موارد را ازجمله پیامدهای اجتماعی - فرهنگی طلاق عاطفی دانست: کاهش انسجام و هماهنگی در خانواده، کاهش میل به ازدواج در دیگر اعضای خانواده، ایجاد انحراف جنسی در زوجین و کاهش حمایت خانوادگی، انزوای اجتماعی و کاهش رضایت از زندگی، آسیب اجتماعی، مشکلات اقتصادی و شکست والدین در تعلیم‌وتربیت

[1] - Emotional divorce
[2] - Skowron
[3] - Montesi & etal
[4]- Mallory

فرزندان، رشدنکردن فرزندان ازلحاظ اجتماعی و افت تحصیلی آنان (ابراهیمی و محمدلو،۲۰۲۱: ۲۰). ازجمله پیامدهای طلاق عاطفی می‌توان به مواجهۀ زن با فشارها و مشکلات روحی مختلف، بی‌انگیزگی، بی‌حوصلگی و افسردگی و مواجهۀ فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری گوناگون، ازجمله اضطراب شدید، انزوا و گوشه‌گیری، پرخاشگری و افت تحصیلی اشاره کرد (عابدی ولوکلائی و همکاران،۱۴۰۳: ۱۲۰). در وضعیت کنونی طلاق عاطفی در بین زنان شهر بابل، به یک مسئلۀ اجتماعی تبدیل شده که بر ساختار خانواده نیز تأثیر گذاشته و آثار نامطلوب و آسیب‌های اجتماعی زیادی را برای زنان و فرزندان به وجود آورده است؛ بنابراین، این پژوهش ازلحاظ علمی سعی دارد در ابتدا خانواده‌ها و سپس مراجع ذی‌صلاح و رسانه‌ها را آگاه و به آنها راهکار ارائه کند تا با این شیوه، گامی مؤثر برای کاهش و حل این پدیده برداشته شود (خواجه نوری و نقشبندی،۱۴۰۲: ۸). بنابر آمار ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۳، از تعداد ۲۲۲۵۹۱ طلاق قطعی، تعداد ۱۲۲۶۰ از آن در استان مازندران ثبت شده است که بیشترین آن در شهرستان قائمشهر می‌باشد و از هر ۵ ازدواج، یکی منجر به طلاق شده است (توکلی،۱۴۰۳:۳۰). با این وجود، آمار رسمی طلاق نیز به درستی نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن، آمار پنهان طلاق‌عاطفی یعنی زندگی‌های خاموش که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند نیز وجود دارد که به طور نامحسوس، کارکردهای منفی بسیاری دارد. در واقع برخی از ازدواج‌ها که به مرحله طلاق رسمی نرسیده‌اند، به ازدواج‌های فاقد محتوایی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با روند و جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند در این حالت، طلاق عاطفی به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود تجربه می‌شود که در آن هریک از زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد که این مسئله هم می‌توان بر روی سلامت روانی زوجین و هم سلامت روانی و افت تحصیلی فرزندان و نیز آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی منجر شود. از اینرو پژوهش حاضر سعی دارد تا با یک مطالعه پدیدار شناسانه به تحلیل اثرات پیوندهای اجتماعی در بروز طلاق عاطفی بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به طلاق عاطفی در قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد؟

## مبانی و چارچوب نظری

**نظریۀ آنومی:** دورکیم[1]، آنومی را به معنای فقدان اجماع دربارۀ اهداف اجتماعی، انتظارات اجتماعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه می‌داند. این حالت در جامعۀ درحال‌گذر، به محوشدن ضابطۀ اخلاقی منجر می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. ازهم‌پاشیدگی هنجارها و آنومی وضعیتی ایجاد می‌کند که آرزوهای بی‌حدوحصر ایجاد می‌شود و مردم نمی‌توانند ارضا شوند؛ درنتیجه، وضعیت نارضایتی اجتماعی به وجود می‌آید و پدیده‌هایی چون طلاق، خودکشی و ... ظاهر می‌شوند (پارساکیا و همکاران،۲۰۲۳: ۲۶).

**نظریۀ کارکردگرایی ساختاری:** ازنظر مرتون[2]، می‌شود نقش زن و مرد را به‌صورت اجزای کل در بقای نهاد خانواده و حفظ اعتدلال آن تبیین کرد (معروفی و همکاران،۱۴۰۰: ۱۸۱).

[1] - Durkheim
[2] - Merton

**نظریهٔ نقش:** به عقیدهٔ پارسونز[1]، خانواده برای ایفای مؤثرتر نقش خود، باید نوعی تقسیم کار جنسی داشته باشد؛ بدین صورت که مردان باید نیروی محرک خانواده باشند و زنان نیز باید بر وظیفه‌شان، یعنی ادارهٔ امور داخلی خانواده و مراقبت از کودکان و بزرگسالان تمرکز کنند. اگر جنس زن، به هر دلیلی اشتغال در محیط خارج از خانه را به وظیفهٔ اصلی خود، یعنی نقش تربیتی و عاطفی ترجیح دهد، این مسئله نتیجه‌ای جز نارسایی در ایفای نقش و به دنبال آن، گسست روابط خانوادگی نخواهد داشت. مردان نیز باید در کنار تأمین امور مالی خانواده، نیروی محرکهٔ خانواده باشند و از نقش مهم خویش در خانواده غافل نشوند. آن‌ها باید در جهت‌گیری خانواده نقشی ویژه داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت، ثبات نهاد خانواده را مختل خواهند کرد (ارسلان و یلدریم[2]،۲۰۲۱: ۲۰).

**نظریهٔ تضاد:** گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هریک، برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش ازطریق توسل به امکانات مالی و فرهنگی قصد دارد بر دیگری مسلط باشد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش می‌دهد و درپایان، به طلاق عاطفی آنها منجر می‌شود (چنگ و همکاران[3]،۲۰۲۱: ۲۹).

**نظریهٔ پل بوهانون[4]:** در طلاق عاطفی زن و شوهر عواطف خود را از یکدیگر دریغ می‌دارند و روی از هم بر می‌تابند؛ زیرا اعتمادشان به یکدیگر و جذابیتشان برای هم به پایان می‌رسد (جانسن و همکاران[5]،۲۰۲۲: ۴۹).

**نظریهٔ مثلث عشق:** رابرت استنبرگ[6]، جوانب مختلف عشق را نشان می‌دهد و این جوانب، سه مؤلفهٔ تعهد، صمیمیت، شور و اشتیاق را در بر دارند. سه مؤلفهٔ عشق به شیوه‌های گوناگون با هم ترکیب می‌شوند که بر این اساس، هشت نوع رابطه مشخص می‌شود. استنبرگ، دو نوع رابطه از هشت نوع رابطهٔ تعریف‌شده، یعنی عشق تهی (تعهد بدون صمیمیت و اشتیاق جنسی) و عشق ابلهانه (شامل تعهد و اشتیاق جنسی فاقد صمیمیت) را طلاق عاطفی می‌خواند (ممتازی،۱۴۰۱: ۱۰۰).

**نظریهٔ همسان‌همسری:** بوردیو[7] عادت‌واره‌های یکسان را باعث تعامل بهتر بین اعضا می‌داند و به اعتقاد او طلاق بیشتر از آن که امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی است. مطابق این نظریه، فرهنگ ضبط‌شده و درونی‌شدهٔ افراد بیشتر مشکل ایجاد می‌کند؛ به این ترتیب، عادت‌واره‌های متفاوت که خود برخاسته از تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی هستند، احتمال ناسازگاری و طلاق را افزایش می‌دهند (افخمی پوستچی و علی دوستی،۱۴۰۱: ۵).

**تئوری مشکلات اقتصادی کانگر[8]:** زوجینی که منابع خانوادگی آنان برای حفظ زندگی استاندارد و مناسب نیست، به مشکلات اقتصادی دچار می‌شوند که این موضوع، زندگی زناشویی آنها را بی‌ثبات می‌کند و در این خانواده‌ها مردان بیشتر واکنش‌های منفی دارند و احتمال ازهم‌گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن زیاد است

**تئوری نیاز:** مازلو[9] نیازهای انسان را به پنج گروه تقسیم می‌کند:

---

[1] - Parsons
[2] -Arslan &Yıldırım
[3] - Cheung & etal
[4] - Paul Bohannon
[5] - Johannsen & etal
[6] - Robert Stenberg
[7] - Bourdieu
[8] - Conger
[9] - Maslow

۱- نیازهای جسمی، مانند غذا، هوا، آب، ۲- نیاز به امنیت، مثل رهایی از ترس، حمایت و وابستگی، ۳- نیاز به عشق و محبت، ۴- نیاز به احترام و حرمت و ۵- نیاز به خودشکوفایی و تحقق خویشتن.

چنان چه ارضاء نیازها با ناکامی مواجه شود و این ناکامی در حدی افزایش یابد که فرد قادر شود به رفتار پرخاشگرانه دست بزند، در این صورت این فرد احتمالاً به دیگری توجه می کند؛ برای مثال، درصورت ادامه‌یافتن ناکامی زن و شوهر، این مسئله به‌صورت دلیل‌تراشی و ... خود را نشان می‌دهد و درپایان، به جدایی می‌انجامد (هوشمندی و همکاران،۱۴۰۰: ۳۸۹).

**تئوری نیاز – انتظار:** استوارت ازکمپ[1]، در تئوری نیاز – انتظار، معتقد است احساس رضایت براساس انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود؛ درحالی‌که نارضایتی معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است. زن و شوهر تصورات خاصی دربارهٔ زندگی زناشویی دارند و زندگی را با انتظارات مشخصی دربارهٔ شیوهٔ رفتار همسرشان با خود آغاز می کنند. اگر این انتظارات در زندگی زناشویی برآورده نشوند، آن‌ها ناراضی و پشیمان خواهند شد و رابطهٔ عاطفی میانشان کاهش پیدا خواهد کرد (کاهلر و همکاران[2]،۲۰۲۰: ۲۱).

**نظریهٔ سیستمی کیفیت زناشویی:** مارکز[3](۱۹۸۹)، معتقد است یک فرد متأهل زاویهٔ درونی، زاویهٔ همسر و زاویهٔ دیگران دارد و در طلاق عاطفی فرد از زاویهٔ همسری فاصله می گیرد و خود را به دیگران غیر از همسر نشان می‌دهد. او کیفیت زناشویی را در هفت مدل دسته‌بندی کرده است. یکی از مدل‌های زناشویی با کیفیت کم، الگوی جدایی است که در آن زن و شوهر با زاویهٔ سومشان آمیخته و از زاویهٔ همسری فاصله گرفته‌اند. در این حالت، کیفیت زناشویی ضعیف است و این وضع درصورت تداوم، طلاق عاطفی را نشان می‌دهد (مصدق و همکاران،۱۴۰۲: ۱۹۵).

**نظریهٔ یادگیری اجتماعی:** براساس اعتقاد بندورا افراد خواه‌ناخواه از الگوهای مختلف متأثر خواهند شد؛ بنابراین، بهترین روش آموزش مسئولیت‌پذیری آن است که از کودکی پدر و مادر به آنها نشان دهند برای دیگران ارزش قائل‌اند و همچنین، از ناراحتی آنها رنج می‌برند و بر رفتار و نقش خود کنترل دارند

**نظریهٔ نظم خرد:** چلپی معتقد است نظم اجتماعی خرد، دست‌کم در چهار بعد وجود دارد که آنها عبارت‌اند از: همفکری، همگامی، همدلی و هم‌بختی مشترک. به نظر او هر گروه دارای این چهار شکل، نظم دارد و اگر این چهار شکل را نداشته باشد، نظم و تعادل خود را از دست می‌دهد و به اختلال دچار می‌شود (مصلایی راد و ملکیان،۱۴۰۲: ۸۴).

چارچوب نظری مطالعه، ترکیبی از نظریهٔ آنومی دورکیم، نظریهٔ همسان‌همسری، نظریهٔ نقش پارسونز و نظریهٔ شبکه است.

## روش پژوهش

هدف از تحقیق حاضر توسعه دانش کاربردی در یک زمینه دانش خاص است و به قصد کاربرد نتایج یافته‌ها برای حل مشکلات خاص درون سازمان انجام می‌شود، بنابراین تحقیق حاضر از لحاظ هدف، تحقیق کاربردی و از نظر روش، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است که به شیوه تحقیقات میدانی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته می‌شود. جامعهٔ آماری مدنظر ما تمامی زنان متأهلی هستند که دست‌کم یک سال از زندگی مشترک آنها گذشته است و به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر قائمشهر مراجعه کرده‌اند. تعداد این افراد، براساس آمار ادارهٔ بهزیستی قائمشهر، حدوداً ۱۱۳۴ نفر

[1] - Stewart Ezkamp
[2] - Kahler & etal
[3] - Markez

است. برای انجام کار، از شیوهٔ نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ بدین صورت که ضمن تقسیم شهر قائمشهر به پنج پهنهٔ جغرافیایی از هر پهنه، یک منطقه، از هر منطقه، یک ناحیه و درنهایت، از هر ناحیه یک محله را انتخاب کرده‌ایم و هرکدام از افراد منتخب ما نیز به خانهٔ سلامت مراجعه کرده‌اند. همچنین، برای محاسبهٔ نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده که مطابق آن، حجم نمونه برابر با ۲۸۸ نفر برآورد شده است. ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۶۵ سوالی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر طلاق عاطفی می‌باشد. روایی متغیرهای پرسشنامه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر طلاق عاطفی ۰/۹۶ و میزان پایایی آن ۰/۹۳ سنجیده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار لیزرل و مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد.

$$n=\frac{\frac{Z^2_{1-\frac{a}{2}}\times p\times q}{d^2}}{1+\left[\frac{1}{N}\left(\frac{Z^2_{1-\frac{a}{2}}\times p\times q}{d^2}-1\right)\right]}\Rightarrow n=\frac{(1/96)^2\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^2}}{1+\frac{1}{1134}(1/96)^2\times\frac{(0/5\times 0/5)}{(0/05)^2}-1}\cong 288$$

Z=1. 96: صدک نهصد و هفتاد و پنج هزارم در توزیع نرمال استاندارد.

P=0. 5 و q=1-p: نسبت واحدهای جامعه با یک ویژگی مورد نظر.

A=0. 05: خطای نوع اول.

D=0. 05: حداکثر خطای برآورد در نظر گرفته شده.

N=288: حجم جامعه.

**جدول ۱: پایایی ابزار اندازه‌گیری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۸۸)**

| تم اصلی | آلفای کرونباخ | پایایی ترکیبی (CR) |
|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی | ۰/۹۲۷ | ۰/۹۴۰ |
| سبک زندگی | ۰/۸۸۶ | ۰/۹۰۶ |
| سطح فردی | ۰/۸۴۱ | ۰/۸۷۸ |
| فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰/۸۵۳ | ۰/۸۸۵ |
| فرسایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰/۷۸۸ | ۰/۸۴۲ |
| پایگاه اجتماعی- اقتصادی | ۰/۹۰۹ | ۰/۹۲۵ |
| مقدار قابل‌قبول | >۰/۶ | >۰/۶ |

## یافته‌های پژوهش

برای بررسی روایی سازه پرسشنامه و نیز مناسب بودن معیارهای روان‌سنجی که از پیش‌فرض‌های مهم معادلات ساختاری است، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده‌شده است. در حقیقت اعتبار شاخص‌ها به‌وسیله بارهای عاملی مورد بررسی قرار می‌گیرد که این بار عاملی باید بیشتر از ۰/۵ باشد تا بتوان آن را معتبر دانست و آن را به‌عنوان سؤالی که شاخص ما را می‌سنجد در نظر گرفت. در صوت عدم برقراری این موضوع، باید سؤالات و ابعاد نامناسب را تشخیص داد و با حذف

سؤالاتی که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشته و یا باعث کاهش بار عاملی ابعاد شده‌اند، مدل را بهبود بخشید. نتایج بار عاملی پرسشنامه متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی در ادامه آمده است. با توجه به بارهای عاملی محاسبه‌شده در جدول (۲) سه سؤال به شماره‌های ۲۰، ۳۷ و ۴۵ دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ بودند؛ بنابراین از روند تحلیل حذف شدند.

**جدول ۲: بار عاملی استاندارد و مقادیر t سؤال‌های مربوط به متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۸۸)**

| سازه | سؤال | بار عاملی استانداردشده | آماره t | p–مقدار |
|---|---|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی | سؤال ۱ | ۰/۷۴۸ | ۲۰/۰۱۰ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲ | ۰/۷۷۱ | ۱۸/۹۸۴ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳ | ۰/۸۱۷ | ۲۷/۳۶۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴ | ۰/۸۸۰ | ۴۲/۶۹۴ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵ | ۰/۸۱۰ | ۲۵/۲۱۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶ | ۰/۸۶۳ | ۴۶/۸۰۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۷ | ۰/۷۳۷ | ۱۷/۰۲۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۸ | ۰/۸۶۳ | ۳۷/۸۷۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۹ | ۰/۶۶۱ | ۱۱/۲۷۰ | ۰/۰۰۱ |
| سبک زندگی | سؤال ۱۰ | ۰/۵۸۲ | ۹/۶۱۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۱ | ۰/۶۸۵ | ۱۲/۲۸۷ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۲ | ۰/۷۳۳ | ۱۴/۶۸۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۳ | ۰/۷۲۱ | ۱۶/۵۶۴ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۴ | ۰/۷۸۸ | ۲۵/۳۳۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۵ | ۰/۵۹۸ | ۹/۸۰۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۶ | ۰/۷۲۰ | ۱۸/۱۱۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۷ | ۰/۷۴۷ | ۲۱/۲۵۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۸ | ۰/۷۴۴ | ۱۸/۵۲۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۱۹ | ۰/۶۷۴ | ۱۳/۶۸۸ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۰ | ۰/۱۶۴ | ۰/۸۰۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۱ | ۰/۶۰۶ | ۱۰/۴۷۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۲ | ۰/۷۸۲ | ۲۶/۵۰۹ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۳ | ۰/۷۵۵ | ۲۰/۹۵۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۴ | ۰/۷۰۲ | ۱۴/۶۵۱ | ۰/۰۰۱ |
| سطح فردی | سؤال ۲۵ | ۰/۶۳۶ | ۱۰/۱۶۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۶ | ۰/۷۲۲ | ۱۵/۹۹۱ | ۰/۰۰۱ |

| سازه | سؤال | بار عاملی استانداردشده | آماره t | p–مقدار |
|---|---|---|---|---|
| | سؤال ۲۷ | ۰/۷۱۷ | ۱۵/۵۲۴ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۸ | ۰/۵۹۱ | ۱۱/۵۴۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۲۹ | ۰/۶۹۵ | ۱۵/۷۴۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۰ | ۰/۶۳۳ | ۱۰/۹۵۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۱ | ۰/۷۵۹ | ۲۸/۸۹۷ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۲ | ۰/۶۱۸ | ۱۰/۳۲۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۳ | ۰/۷۴۸ | ۱۹/۶۳۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۴ | ۰/۷۹۶ | ۲۲/۵۸۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۵ | ۰/۷۶۲ | ۲۳/۲۵۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۶ | ۰/۶۸۱ | ۱۲/۲۷۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۷ | ۰/۳۶۰ | ۴/۳۴۰ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۸ | ۰/۷۰۹ | ۱۴/۶۹۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۳۹ | ۰/۵۳۱ | ۷/۲۵۸ | ۰/۰۰۱ |
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | سؤال ۴۰ | ۰/۵۶۵ | ۸/۴۸۸ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۱ | ۰/۶۵۷ | ۱۱/۶۳۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۲ | ۰/۶۲۲ | ۹/۵۹۸ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۳ | ۰/۶۲۴ | ۹/۴۳۰ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۴ | ۰/۵۸۱ | ۹/۲۹۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۵ | ۰/۳۷۹ | ۲/۰۶۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۶ | ۰/۷۱۳ | ۱۶/۷۶۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۷ | ۰/۷۸۰ | ۲۵/۴۹۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۴۸ | ۰/۷۶۱ | ۲۲/۰۹۶ | ۰/۰۰۱ |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | سؤال ۴۹ | ۰/۸۳۲ | ۳۴/۹۶۳ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۰ | ۰/۷۷۱ | ۲۲/۳۴۰ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۱ | ۰/۵۸۸ | ۱۰/۲۲۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۲ | ۰/۷۵۹ | ۱۵/۸۴۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۳ | ۰/۷۲۲ | ۱۶/۶۱۸ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۴ | ۰/۸۳۲ | ۳۰/۶۳۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۵ | ۰/۷۵۵ | ۱۷/۳۴۶ | ۰/۰۰۱ |
| پایگاه اجتماعی– اقتصادی | سؤال ۵۶ | ۰/۶۳۲ | ۱۱/۰۹۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۷ | ۰/۷۵۴ | ۲۰/۴۶۴ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۵۸ | ۰/۷۱۲ | ۱۲/۴۷۶ | ۰/۰۰۱ |

| سازه | سؤال | بار عاملی استانداردشده | آماره t | p–مقدار |
|---|---|---|---|---|
| | سؤال ۵۹ | ۰/۷۱۴ | ۱۳/۵۵۹ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۰ | ۰/۸۵۱ | ۳۰/۵۱۶ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۱ | ۰/۷۵۸ | ۱۸/۶۹۲ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۲ | ۰/۷۸۷ | ۱۸/۰۶۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۳ | ۰/۶۷۰ | ۱۲/۴۷۱ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۴ | ۰/۵۱۳ | ۹/۵۷۵ | ۰/۰۰۱ |
| | سؤال ۶۵ | ۰/۷۶۰ | ۱۷/۰۷۶ | ۰/۰۰۱ |

برای بررسی روایی همگرای ابزار اندازه‌گیری، از شاخص میانگین واریانس استخراج (AVE) شده استفاده‌شده است. نتایج روایی همگرا در جدول (۲) نشان داده‌شده است. مقادیر نشان می‌دهند که پرسشنامه استفاده‌شده برای متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی از روایی همگرای مناسبی برخوردار است.

**جدول ۲: همگرایی ابزار اندازه‌گیری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۸۸)**

| تم اصلی | میانگین واریانس استخراج (AVE) |
|---|---|
| روابط فرا زناشویی | ۰/۶۳۶ |
| سبک زندگی | ۰/۴۹۳ |
| سطح فردی | ۰/۴۳۴ |
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰/۴۷۰ |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰/۴۷۹ |
| پایگاه اجتماعی – اقتصادی | ۰/۵۵۴ |
| مقدار قابل‌قبول | >۰/۴ |

مقادیر جدول (۳) نشان می‌دهد که جذر ضرایب AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر شده است که این مطلب نشان‌دهنده قابل‌قبول بودن روایی واگرای سازه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی است.

**جدول ۳: روایی واگرای ابزار اندازه‌گیری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۸۸)**

| تم اصلی | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱. روابط فرا زناشویی | ۰/۷۹۷ | – | – | – | – | – | – | – |
| ۲. سبک زندگی | ۰/۶۳۷ | ۰/۷۰۲ | – | – | – | – | – | – |
| ۳. سطح فردی | ۰/۵۳۸ | ۰/۶۰۱ | ۰/۶۵۹ | – | – | – | – | – |
| ٤. فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰/۴۲۵ | ۰/۵۲۰ | ۰/۶۴۲ | ۰/۶۸۶ | – | – | – | – |

| تم اصلی | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵. فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰/۵۳۳ | ۰/۵۸۳ | ۰/۶۴۶ | ۰/۶۷۹ | ۰/۶۹۲ | – | – | – |
| ٦. پایگاه اجتماعی- اقتصادی | ۰/۶۳۹ | ۰/۶۵۳ | ۰/۶۴۴ | ۰/۵۱۹ | ۰/۶۷۶ | ۰/۷۴۴ | – | – |

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد شاخص‌های برازش مدل ساختاری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی در سطح مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

**جدول ۴: شاخص برازش مدل ساختاری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۸۸)**

| تم اصلی | CV Red | CV Com |
|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی | ۰/۳۴۶ | ۰/۵۲۵ |
| سبک زندگی | ۰/۳۲۰ | ۰/۳۶۷ |
| سطح فردی | ۰/۲۸۳ | ۰/۲۹۹ |
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰/۲۰۹ | ۰/۳۳۲ |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰/۲۴۲ | ۰/۲۳۸ |
| پایگاه اجتماعی- اقتصادی | ۰/۴۲۹ | ۰/۴۴۵ |

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد مقادیر شاخص روایی واگرا متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی در سطح مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

**جدول (۵): شاخص روایی واگرا (HTMT) متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی (n=۲۲۸)**

| تم اصلی | پایگاه اجتماعی- اقتصادی | فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | سطح فردی | سبک زندگی | روابط فرا زناشویی |
|---|---|---|---|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی | – | – | – | – | – | – |
| سبک زندگی | ۰/۳۹۴ | – | – | – | – | – |
| سطح فردی | ۰/۶۱۱ | ۰/۶۰۲ | – | – | – | – |
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰/۸۲۹ | ۰/۵۸۵ | ۰/۷۳۶ | – | – | – |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰/۵۸۴ | ۰/۸۱۷ | ۰/۸۶۳ | ۰/۷۹۷ | – | – |
| پایگاه اجتماعی- اقتصادی | ۰/۶۳۷ | ۰/۸۲۸ | ۰/۷۲۲ | ۰/۹۲۲ | ۰/۸۳۳ | – |

**جدول (۶): نتایج آزمون همبستگی متغیرهای اصلی تحقیق**

| متغیرهای مستقل | سطح معنی‌داری (Sig) | ضریب اسپیرمن |
|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی | ۰.۰۰۰ | ۰/۶۱۰ |
| سبک زندگی | ۰.۰۰۰ | ۰/۶۳۰ |
| سطح فردی | ۰.۰۰۰ | ۰/۵۹۰ |
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده | ۰.۰۰۰ | ۰/۶۹۰ |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده | ۰.۰۰۰ | ۰/۶۷۰ |
| پایگاه اجتماعی- اقتصادی | ۰.۰۰۰ | ۰/۶۰۰ |

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین متغیرهای اصلی تحقیق (روابط فرا زناشویی زوجین و طلاق عاطفی زوجین، بین سبک زندگی مدرن زوجین و طلاق عاطفی زوجین، بین سطح فردی و طلاق عاطفی زوجین، بین فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده و طلاق عاطفی زوجین، بین فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده و طلاق عاطفی زوجین، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و طلاق عاطفی زوجین و متغیر وابسته (طلاق عاطفی زوجین) رابطه معنی‌داری وجود دارد. متغیرهای فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده (۰/۶۹۰) و فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده (۰/۶۷۰) بیشترین میزان ضریب همبستگی و متغیرهای سطح فردی (۰/۵۹۰) و پایگاه اجتماعی- اقتصادی (۰/۶۰) کمترین میزان ضریب همبستگی را با متغیر وابسته (طلاق عاطفی زوجین) داشتند.

با توجه به برقراری پیش‌فرض‌های معادلات ساختاری، نتایج بررسی سؤال مذکور در نمودارهای (۱) و (۲) نمایش داده‌شده است. نتایج ارائه‌شده در جدول (۷) نشان می‌دهد تم‌های اصلی «روابط فرا زناشویی»، «سبک زندگی»، «سطح فردی»، «فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده»، «فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده»، «پایگاه اجتماعی- اقتصادی» مدل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی در استان مازندران را تشکیل می‌دهند.

**جدول (۷): نتایج بررسی فرضیات پژوهش**

| سؤال | ضریب مسیر | آماره t | p-مقدار |
|---|---|---|---|
| روابط فرا زناشویی ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۷۶۷ | ۲۰/۴۷۰ | ۰/۰۰۱ |
| سبک زندگی ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۸۴۶ | ۳۴/۴۴۸ | ۰/۰۰۱ |
| سطح فردی ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۸۴۶ | ۳۵/۶۷۸ | ۰/۰۰۱ |

| سؤال | ضریب مسیر | آماره t | p–مقدار |
|---|---|---|---|
| فرستایش سرمایه اجتماعی خانواده ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۷۰۶ | ۱۷/۹۷۵ | ۰/۰۰۱ |
| فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۸۴۲ | ۲۰/۴۷۰ | ۰/۰۰۱ |
| پایگاه اجتماعی- اقتصادی ← عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی | ۰/۹۱۵ | ۷۰/۱۱۴ | ۰/۰۰۱ |

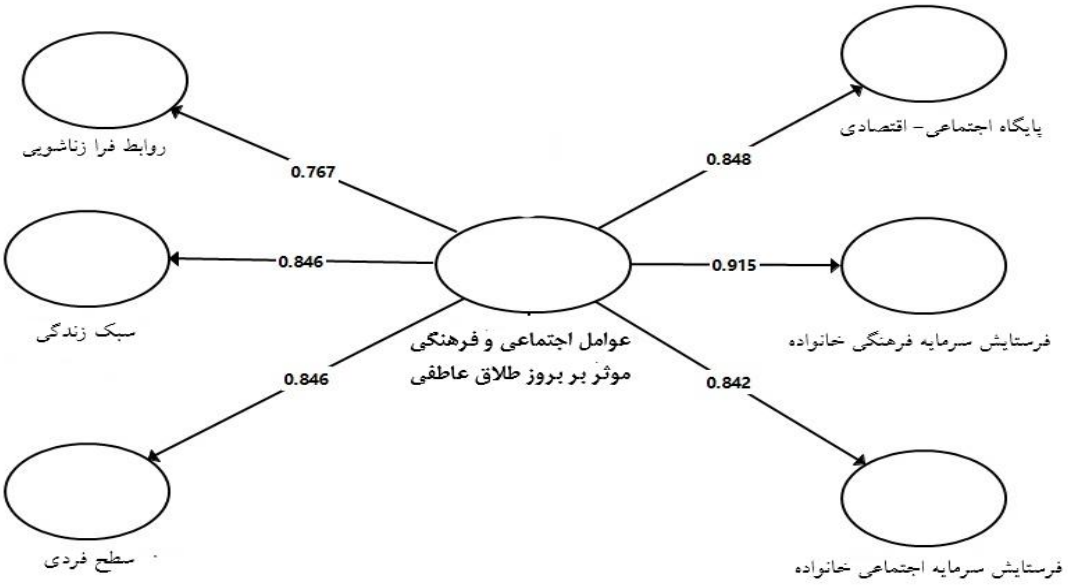


**نمودار (۱): ضرایب معنی‌داری متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی**

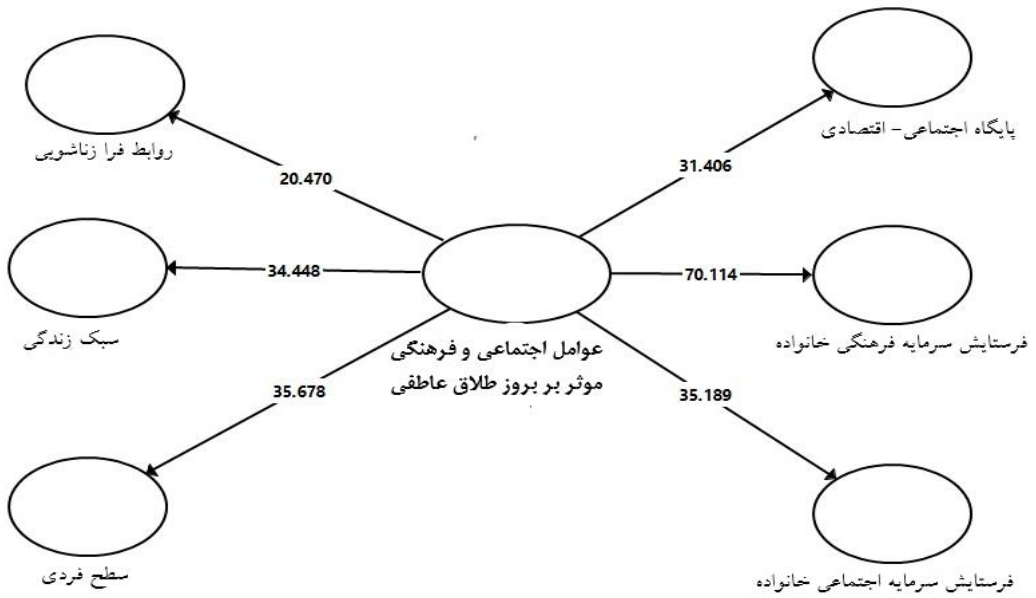


**نمودار (۲): ضرایب معنی‌داری آماره t متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بروز طلاق عاطفی**

## بحث و نتیجه‌گیری

طلاق می‌تواند صورت آشکار و رسمی داشته باشد که موجب فروپاشی خانواده می‌شود و نیز می‌تواند صورت پنهان به خود بگیرد که در آن، صرفاً ساختار خانواده حفظ می‌شود، امّا خانواده از درون تهی است. برخی از ازدواج‌ها با طلاق پایان نمی‌یابند، بلکه به زندگی‌های سرد و خانواده‌های توخالی‌ای تبدیل می‌شوند که فاقد عشق و دوستی‌اند و اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند، ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند. طلاق عاطفی، فاصله مشخّص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته‌اند؛ هرچند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید یا انکار کند این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمّن فقدان اعتماد، احترام و محبّت به یکدیگر است. طلاق عاطفی و تعارضات، تهدیدهایی جدّی برای زندگی زناشویی هستند که ثبات و کیفیّت ازدواج را به چالش می‌کشند و موجب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره وری پایین در کار از جمله پیامدهای طلاق عاطفی برای بزرگسالان و احتمال فراوان بروز اختلال منش، اضطراب، افسردگی، بزهکاری و مشکلات مدرسه‌ای نیز از جمله پیامدهای آن برای نوجوانان است. اساساً طلاق عاطفی پیامدهایی منفی برای فرد و جامعه در پی دارد و مشکلات فراوانی برای زن و مرد ایجاد می‌نماید؛ به گونه‌ای که در شخصیّت اعضای خانواده نوعی آشفتگی و بی سازمانی به وجود می‌آورد و کیفیّت روابط خانواده را دچار تزلزل می‌کند. مطالب گفته شده، بیانگر این موضوع است که طلاق عاطفی مقدّمات جدایی و طلاق زوجین است. بنابراین، همین امر را می‌توان یکی از مهمترین دلایل اهمّیّت بررسی طلاق عاطفی به شمار آورد. اگرچه در نگاه نخست، روابط سرد بین زوجین پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد، امّا با توجّه به پیامدها و عواقب ناگوار آن، این معضل را باید مسأله ای اجتماعی ولی به صورت پنهان دانست. بنابراین، ریشه بسیاری از آسیب‌های خانوادگی را می‌توان در طلاق عاطفی جستجو کرد. امروزه رشد کمی و کیفی پدیدهٔ طلاق در جامعهٔ ایرانی، به یکی از مسائل اجتماعی جدی تبدیل شده است؛ به‌طوری که دیگر واژهٔ طلاق قبح گذشته را ندارد و افراد آن را یک انتخاب فردی در نظر می‌گیرند. آمارها نشان می‌دهند که طلاق در چند سال گذشته در حال افزایش بوده است؛ این وضعیت بیانگر تغییرات عمده در ساختار نهاد خانواده است. میزان طلاق در ایران در مقایسه با دو دههٔ گذشته رشد سریعی را نشان می‌دهد. این میزان به یک طلاق در هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۳ رسیده است. کارشناسان بر این باورند که در فرآیند طلاق، طلاق رسمی پس از طلاق عاطفی صورت می‌گیرد. آمار رسمی طلاق، میزان شکست همسران را در زندگی زناشویی به‌طور کامل نشان نمی‌دهد؛ زیرا در کنار آن، آمار بزرگ‌تر به طلاق عاطفی اختصاص دارد که در هیچ کجا ثبت نشده است و اطلاعات دقیقی از آن وجود ندارد. براساس یک برآورد، میزان شیوع طلاق عاطفی در میان زوجین ایرانی ۴۰.۹ درصد گزارش شده است که بیانگر شیوع بالای آن در ایران است. با توجه به آمارهای اخیر و وخامت آن در بابل، شناسایی و اتخاذ فرآیندها و راهکارهایی الزامآور است که بتواند خانواده را در برابر این نوع آسیب‌ها و چالش‌ها محافظت کند.

– **طبق نتایج بدست آمده از فرضیه اصلی ۱ تحقیق** مشخص شد بین عوامل اجتماعی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های امیدپور و همکاران (۱۴۰۳) که نشان دادند درمان فراتشخیصی بر افزایش توافق‌پذیری زنان با طلاق عاطفی اثرگذار بود (p<۰/۰۰۱). این نتیجه تا مرحله پیگیری نیز

ماندگار بود. و استفاده از محتوا و دستورالعمل‌های درمان فراتشخیصی در افزایش توافق‌پذیری زنان با طلاق عاطفی مفید است. و با یافته‌های ناصر (۱۴۰۰) که نشان داد در تعیین طلاق عاطفی از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود، ضریب همبستگی چندگانه (R=۶۹/۰) و ضریب تعیین به دست آمده (R۲=۵۳/۰) یعنی از روی متغیرهای مستقل (فاصله‌ای) معنی دار موجود در مدل می‌توان تا حدود ۵۳/۰ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین کرد. نتایج پژوهش نشان دادند که بین متغیرهای پایبندی به اعتقادات دینی، نظم درون خانواده، سرمایه اجتماعی درون خانواده، شناخت زوجین از یکدیگر و سلامت روانی، با طلاق عاطفی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. و همچنین با یافته‌های حسن (۲۰۲۲) که نشان داد طلاق عاطفی پایینی به نفع همسران و سازگاری روانشناختی بالایی به نفع شوهرها وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد در نمونهٔ آماری مطالعه‌شده در سطح معنی‌داری ۵ درصد، تفاوت معنی‌داری در میانگین طلاق عاطفی دربارهٔ متغیرهای مدت ازدواج و سطح تحصیلات وجود ندارد. به‌علاوه، یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود همبستگی منفی میان متغیرهای طلاق عاطفی و میزان سازگاری روانی بود. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه اصلی ۲ تحقیق** مشخص شد بین عوامل فرهنگی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های مشهدی عباسی و شجری (۱۴۰۲) که نشان داد بین حمایت اجتماعی با تاب آوری پس از طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بین حمایت روانی و اجتماعی، بر تاب آوری اختلال پس از طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. و با یافته‌های دامو وسنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال. آن‌ها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده‌اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانه. و با یافته‌های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می‌تواند ازطریق مؤلفه‌هایی چون خود کار آمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش‌بینی شود. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۱ تحقیق** مشخص شد بین روابط فرا زناشویی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های بشرپور و همکاران (۱۴۰۰) که نشان دادند صفات تاریک شخصیت ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی اثر مثبت و معنی‌دار و عزت‌نفس جنسی اثر منفی و معنی‌دار بر طلاق عاطفی دارند. همچنین صفات تاریک شخصیت علاوه بر اثر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم و ازطریق میانجی‌گری عزت‌نفس جنسی نیز بر طلاق عاطفی اثرگذار است که با توجه به مقدار آمارهٔ شمول واریانس [۷] (VAF)، مشاهده شد که ۳۶.۵ درصد از تأثیر ماکیاول‌گرایی بر طلاق عاطفی، ۳۱.۷ درصد از تأثیر خودشیفتگی بر طلاق عاطفی و ۳۴.۵ درصد از تأثیر سایکوپاتی بر طلاق عاطفی ازطریق عزت‌نفس جنسی می‌تواند تبیین شود. نتایج پژوهش آنها اهمیت مداخلات هدفمند معطوف به تغییر یا تعدیل صفات تاریک شخصیت و تقویت عزت‌نفس جنسی را برای پیشگیری یا کاهش طلاق عاطفی خاطرنشان می‌کرد. و با یافته‌های ارباب زاده و همکاران (۱۴۰۱) که نشان دادند ۲۹ محرک بروز طلاق عاطفی میان زوجین تهرانی بود که در چهار بُعد مهارت زندگی، شخصیتی و رفتاری، اجتماعی و جامعه شناختی و زمینه‌ای، سازماندهی شدند که ازنظر خبرگان از میان آنها بعد اجتماعی و جامعه‌شناختی با وزن ۰.۳۵ از بالاترین اهمیت برخوردار

بود و سهم بیشتری را در طلاق عاطفی زوجین تهرانی داشت. همچنین ملاحظه شد که در میان محرکهای طلاق عاطفی هریک از ابعاد، محرک «ضعف در مهارت ارتباط مؤثر» با وزن ۰.۰۵۴۸ از بعد مهارت زندگی، محرک «خیانت و روابط خارج از ازدواج» با وزن ۰.۰۴۸۲ از بعد رفتاری و شخصیتی، محرک «عدم کفویت و همسان‌همسری» با وزن ۰.۰۵۴۵ از بعد اجتماعی و جامعه شناختی و محرک «موقعیت اقتصادی فرد» با وزن ۰.۰۵۴۶ از بعد زمینه‌ای، بالاترین درجهٔ اهمیت را به خود اختصاص دادند. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۲ تحقیق** مشخص شد بین سبک زندگی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های ناصر شریعتی (۲۰۲۲) که نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین گروه کنترلی و آزمایشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش ارتباط تصویری نقش درخور توجهی در افزایش انسجام، انعطاف‌پذیری خانواده و شادکامی زوجین داشت و با یافته‌های دامو وسنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال. آن‌ها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده‌اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانهمخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۳ تحقیق** مشخص شد بین سطح فردی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های صداقت و افراعی (۱۴۰۱) که نشان دادند طرح‌وارهٔ درمانی بر طلاق عاطفی مؤثر واقع شده است. نتیجهٔ کلی تحقیق نشان داد طرح‌وارهٔ درمانی بر کاهش طلاق عاطفی در زنان دارای همسر نظامی تأثیر دارد. همچنین، طرح‌وارهٔ درمانی می‌تواند در کاهش طلاق عاطفی در زنان متأهل دارای همسر نظامی مؤثر باشد و یک روش انتخابی برای بهبود تعارضات در این افراد محسوب شود. و با یافته‌های مشهدی عباسی و شجری (۱۴۰۲) که نشان دادند بین حمایت اجتماعی با تاب آوری پس از طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بین حمایت روانی و اجتماعی، بر تاب آوری اختلال پس از طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. و با یافته‌های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می‌تواند ازطریق مؤلفه‌هایی چون خودکارآمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش‌بینی شود. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۴ تحقیق** مشخص شد بین فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های بشرپور و همکاران (۱۴۰۰) که نشان دادند صفات تاریک شخصیت ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی اثر مثبت و معنی‌دار و عزت‌نفس جنسی اثر منفی و معنی‌دار بر طلاق عاطفی دارند. همچنین صفات تاریک شخصیت علاوه بر اثر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم و ازطریق میانجی‌گری عزت‌نفس جنسی نیز بر طلاق عاطفی اثرگذار است که با توجه به مقدار آمارهٔ شمول واریانس [۷] (VAF)، مشاهده شد که ۳۶.۵ درصد از تأثیر ماکیاول‌گرایی بر طلاق عاطفی، ۳۱.۷ درصد از تأثیر خودشیفتگی بر طلاق عاطفی و ۳۴.۵ درصد از تأثیر سایکوپاتی بر طلاق عاطفی ازطریق عزت‌نفس جنسی می‌تواند تبیین شود. نتایج پژوهش آنها اهمیت مداخلات هدفمند معطوف به تغییر یا تعدیل صفات تاریک شخصیت و تقویت عزت‌نفس جنسی را برای پیشگیری یا کاهش طلاق عاطفی خاطرنشان می‌کرد. و با یافته‌های مشهدی عباسی و شجری (۱۴۰۲) که نشان داد بین حمایت

اجتماعی با تاب آوری پس از طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بین حمایت روانی و اجتماعی، بر تاب آوری اختلال پس از طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۵ تحقیق** مشخص شد بین فرستایش سرمایه فرهنگی خانواده با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های ناصر شریعتی (۲۰۲۲) که نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین گروه کنترلی و آزمایشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش ارتباط تصویری نقش درخور توجهی در افزایش انسجام، انعطاف‌پذیری خانواده و شادکامی زوجین داشت و با یافته‌های دامو وسنسی (۲۰۲۱) که نشان دادند چهار موقعیت شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری برای جدایی/طلاق قانونی عبارتند از: آغازگران، غیرآغازگران، آغازگران سخنگو و غیرآغازگران فعال. آن‌ها دریافتند که در میان این چهار موقعیت، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرآیند طلاق عاطفی و احساساتی وجود دارد که در طلاق تجربه کرده‌اند که عبارتند از: ترس، تسکین، ناراحتی، عصبانیت، امید و رشد شخصی، راهبردهای مقابله و ازسرگیری زندگی عاشقانه. و با یافته‌های رشید و همکاران (۲۰۲۱) که نشان داد طلاق عاطفی می‌تواند ازطریق مؤلفه‌هایی چون خود کار آمدی و انتظارات بالای زناشویی پیش‌بینی شود. همخوان و همسو می‌باشد.

**طبق نتایج بدست آمده از فرضیه فرعی ۶ تحقیق** مشخص شد بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی با طلاق عاطفی در شهر قائمشهر رابطه معنی داری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های عابدی ولوکلائی و همکاران (۱۴۰۳) که نشان دادند آموزش ذهن‌آگاهی بر نارسایی هیجانی و تحمل پریشانی زنان دارای گرایش به طلاق عاطفی مؤثر بود. ازین رو از این برنامه می‌توان برای کمک به زنان دارای گرایش به طلاق عاطفی استفاده کرد.. و با یافته‌های توکلی (۱۴۰۳) که نشان دادند آموزش سبک‌های ارتباطی تأثیر معناداری بر بهبود کیفیت ارتباط زوجین و کاهش طلاق عاطفی میان زوجین نشان داده است. و همچنین با یافته‌های اعتمادی و خباززاده (۱۴۰۳) که نشان دادند که اثر مستقیم اعتیاد به اینترنت بر طلاق عاطفی به واسطه بلوغ عاطفی معنادار است ($p <$ ۰/۰۱). بنابراین نقش میانجی بلوغ عاطفی در رابطه بین گرایش به اعتیاد به فضای مجازی و طلاق عاطفی در زنان متأهل تأیید می‌شود و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود همخوان و همسو می‌باشد.

## منابع


۱. ارباب زاده، پروین، کاظمی پور، شهلا، معینی، سید رضا. (۱۴۰۱). شناسایی و ارزیابی محرک‌های بروز طلاق عاطفی در میان زوجین تهرانی از دیدگاه متخصصان با رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیارهٔ گروهی، فصلنامه جامعه شناسی کابردی،۳۳(۴)، ۱۴۵-۱۷۸.

۲. اعتمادی، مهری، خباززاده، مهناز. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی بلوغ عاطفی در رابطه بین گرایش به اعتیاد به فضای مجازی و طلاق عاطفی در زنان متأهل. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، (۸۵)، ۴۳۷- ۴۴۷.

۳. افخمی پوستچی، مینا، علی دوستی، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش تعدیل‌گر سبک‌های حل تعارض در رابطه تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی. فصلنامه مطالعات اسلامی ایرانی خانواده، (۶)، ۱- ۱۸.

٤. امیدپور، آرزو؛ اکبری، بهمن، شاکری نیا، ایرج. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان فراتشخیصی بر توافق پذیری زنان با طلاق عاطفی مراجعه کننده به مراکز مشاوره روانشناختی رشت. فصلنامه مهارت‌های روانشناسی تربیتی، (۶)، ۱-۱۱.

٥. بشرپور، سجاد، فریور، مهران، عبادی، متینه. (۱۴۰۰). مدل‌یابی علّی طلاق عاطفی در زنان براساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت‌نفس جنسی». فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۹(۲۰)، ۵۰-۲۹.

٦. توکلی، آتینا. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش سبک‌های ارتباطی بر کیفیت ارتباط زوجین در معرض طلاق عاطفی. فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی،۷( ۳۰)، ۲۹- ۳۶.

۷. خواجه نوری، بیژن، نقشبندی، شیما. (۱۴۰۲). مقایسهٔ اجتماعی، طلاق عاطفی و نقش رسانه‌ها در میان زنان متأهّل شهر شیراز و دلالت‌های آن بر دوام خانواده. فصلنامه تداوم و تغییر اجتماعی، (۳)، ۷- ۲۴.

۸. صداقت، مستوره، افراعی، رؤیا. (۱۴۰۱). اثربخشی طرحوارهٔ درمانی بر کاهش طلاق عاطفی زنان دارای همسر نظامی». فصلنامهٔ روانشناسی نظامی، ۱۳(۴۱)، ۱۶۴-۱۴۷.

۹. عابدی ولوکلائی، سیده فاطمه؛ یوسفی طالشی، زینب؛ خانمحمدی، ارسلان. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر ابعاد نارسایی هیجانی و تحمل پریشانی زنان دارای گرایش به طلاق عاطفی. فصلنامه روانشناسی و روانپزشکی شناخت،۱۱(۵)، ۱۱۸ -۱۳۱.

۱۰. مشهدی عباسی، سیدمجید و شجری، نگین. (۱۴۰). رابطه حمایت اجتماعی بر تاب آوری طلاق عاطفی زوجین، مجموعه مقالات هفتمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، تهران.

۱۱. مصدق، هانیه؛ پارساکیا، کامدین، دربانی، سیدعلی. (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای رضایت جنسی در رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و طلاق عاطفی در مردان. فصلنامه خانواده درمانی کاربردی،۱۴(۴)، ۱۹۱-۲۰۲.

۱۲. مصلایی راد، سارا؛ ملکیان، نازنین. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرزفصلنامه پژوهش‌های جامعه شناختی، ۱۷(۱)، ۸۱- ۱۰۲.

۱۳. معروفی، بنفشه، رحیمی، محمّد، فتحی، لیلا و افراسیابی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثّر بر گرایش به طلاق عاطفی مورد مطالعه: زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران، فصلنامه زن و جامعه، (۴۵)، ۱۹۴-۱۷۹.

۱٤. ممتازی، مهبان. (۱۴۰۱). رابطه بهزیستی اخلاقی با کاهش تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۷(۴)، ۹۷- ۱۰۲.

۱٥. همت جو، المیرا. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر نشخوار فکری مشترک و سبک‌های دلبستگی زناشویی در زوجین مبتلا به طلاق عاطفی با پایداری ازدواج بالا در شهر مراغه. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، ۷۲، ۱۱۳-۱۳۱.

۱٦. هوشمندی، رودابه؛ احمدی، خدابخش و کیامنش، علیرضا. (۱۴۰۰). شناسایی و سنجش عوامل محوری و پیرامونی تعارضات زناشویی در جمعیت فارسی زبان (مطالعه ترکیبی). خانواده درمانی کاربردی،۲(۴)، ۴۰۶-۳۸۳.

17. Arslan, G., & Yıldırım, M. (2021). Coronavirus stress, meaningful living, optimism, and depressive symptoms: A study of moderated mediation model. Australian Journal of Psychology, 73(2), 19-28.

18. Cheung, A., Chiu, T., & Choi, S. (2021). Couples' self-control and marital conflict: Does similarity, complementarity, or totality matter more. Social Science Research, 102(2), 26-38.
19. Damo, D. D., and Cenci, C. M. B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. Trends in Psychology, 29(3), 505-518.
20. Ebrahimi, L., & Mohammadlou, M. (2021). A systematic review of the underlying factors of consensual divorce of couples in the last decade in Iran (88-98). Women and Society, (12), 19-29.
21. Hasan, K. A. I. (2022). Emotional divorce and its relationship to psychological adjustment among a sample of couples in Ramallah and Al-Bireh Governorate (Doctoral dissertation, Al-Quds Open University). https://osol.qou.edu/handle/ 194/2734.
22. Johannsen, M., Schlander, C., & Vestergaard, I. (2022). Group-based compassion-focused therapy for prolonged grief symptoms in adults – Results from a randomized controlled trial. Psychiatry Research, 314(9), 46-53.
23. Kahler, C. W., Spillane, N. S., Day, A., Clerkin, E. M., Parks, A., Leventhal, A. M., & Brown, R. A. (2020). Positive psychotherapy for smoking cessation: Treatment development, feasibility, and preliminary results. The Journal of Positive Psychology, 9(11), 19-27.
24. Mallory, A. B. (2022). Dimensions of couples' sexual communication, relationship satisfaction, and sexual satisfaction: a meta analysis. Journal of Family Psychology; 36(3), 358-71.
25. Montesi J.L, Conner B.T, Gordon E.A, Fauber R L, Kim K.H, Heimberg R.G. (2022). On the relationship among social anxiety, intimacy, sexual communication, and sexual satisfaction in young couples. Archives of sexual behavior, 42(1), 81-91
26. Nasershariati, M. (2022). The Effectiveness of Image Relationship Therapy on Cohesion–Family Flexibility and Happiness of Couples with Emotional Divorce. Human Relations Studies, 2(4), 22-31.
27. Parsakia, K., Rostami, M., & Saadati, S. M. (2023). The Relationship between Emotional Intelligence and Marital Conflicts Using Actor-Partner Interdependence Model. Journal of Psychosociological Research in Family and Culture, 1(1), 23-28.
28. Rashid, Kh., Hassanvand, F., Nabizadeh, S., & Rashti, A. (2018). Examining external factors affecting emotional divorce among women. Women and Family Studies, 7(1), 117-137.
29. Skowron E.A. (2022). The role of differentiation of self in marital adjustment. Journal of Counseling Psychology, 47(2),229-237.